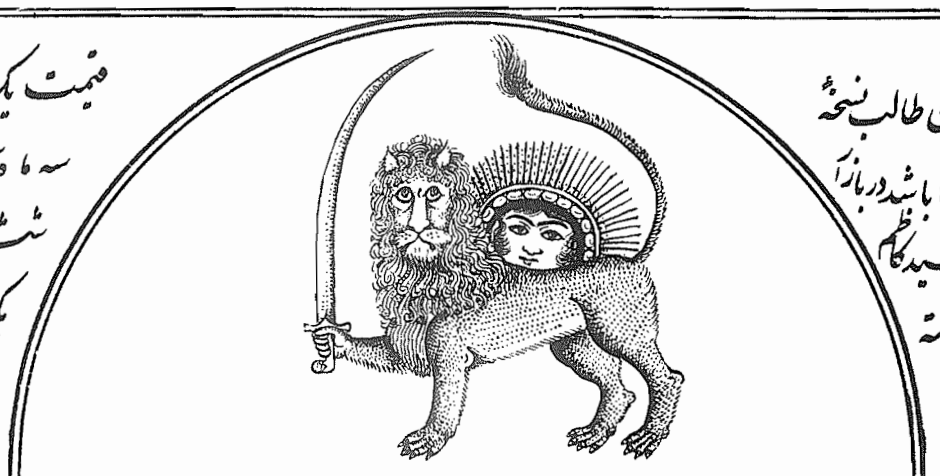
روزنامهٔ وقایع اتفاقیه بتاریخ جمعه بیست و ششم شهر ربیع الثانی مطابق سال ایت ئیل سنهٔ ۱۲

نومره ۴۰
هر کس در طهران طالب نسخهٔ
ازین روزنامها باشد در بازار
در دکان میرزا سید کاظم
بلور فروش فروخته
می شود



قیمت یک نسخه ده شاهی
سه ماه شش هزار
شش ماه یک تومان و دو هزار
یکسال دو تومان و چهار هزار

اخبارات داخلهٔ ممالک محروسهٔ پادشاهی

دار الخلافه طهران

از آنجا که اولیای سلطنت سنیه ایران همواره در انضباط سدود و امور دولت و انتظام حدود و ثغور مملکت اوقات مصروف دارند تا قواعد مستحسنه عدیده و قوانین مفیده جدیده که در سایر دول معمول و در ایندولت متروک است پدید نمایند لهذا حکم شد تذکره مرور نمودند که در جمیع شهرهای معظم ممالک محروسه تذکره بدهند و در ابتدای حدود و ثغور از جانب دولت قراول مامور شود و مترددین بی تذکره مرور از بلدان معظمه از شهری بشهری و از ولایتی بولایتی نروند درین باب کتابچه مبسوطه محتوی بر فصول مفصله مرقوم گردیده بتجمیع ولایاتی که لازم است ارسال داشته و خواهند داشت که از قرار شرح کتابچه معمول دارند و انشاء الله معلوم خواهد شد که فواید کلی برای آسایش رعیت و انتظام امور مملکت حاصل میگردد و عنقریب نتایج نیکو و محاسن حسنه بطوری شایسته از ینفعل بظهور خواهد رسید محسنات آن زیاده ازان است که نوشته شود بعون الله تعالی بزودی ظاهر خواهد شد

چون بی نظمی ولایت خوی و رسیدن مالیات آنجا معروض اولیای دولت علیه شد لهذا محمد رحیم میرزای حاکم و حاجی حاتم خان پیشکار را معزول و محمد رحیم خان بیگلربیگی باشی را بحکومت آنجا منصوب نمودند روز یکشنبه بیست و یکم صفت حکومت پوشیده این روزها خواهد رفت و از قراریکه بسمع اولیای دولت علیه رسیده بسبب ملخ خوارکی که دو سه سال متوالی در آنولایت حادث شد قدری شکستگی و پریشانی برعیت آنولایت وارد آمده لهذا اولیای دولت علیه قرارهای درست و بقدر ضرورت تعادل و تخفیفی در حق مالی آنولایت منظور داشتند که رفع پریشانی و شکستگی آنولایت بشود

حکام اردبیل و مشکین و قراچه داغ که از دار الخلافه مامور بودند در روز سه شنبه بیست و سیم مرخص شده از دار الخلافه روانه شدند

نیاز محرم فرستادهٔ خان خیوق که در هفتم انیماه وارد شده بود در روز نهم دیماه بحضور اعلیحضرت پادشاهی مشرف شده ذریعه او دو رأس اسب و یک بهله قوش تیقون که داشت از حضور گذرانید

از روزیکه سرکار اعلیحضرت پادشاهی
سریر سلطنت وجهانبانی را بوجود مسعود زیب و زینت داده اند
اولیای دولت علیه در آبادی آنمحل محروسه عمومًا و دار الخلافه
خصوصًا سعی و اهتمام دارند جناب اجل اکرم اعظم امیر کبیر
دار الخلافه طهران یکساله از عید نوروز سنه بیت ئیل گذشته
از خود بنای کاروانسرا و بازاری گذاشتند که کاروانسرای آن
موسوم بسرای اتابکیه و مشتمل است بر سیصد و سی و شش حجره
تحتانی و فوقانی از سه راسته بازار که دکاکین متعدده بسیار
دارند بکاروانسرای مزبور راه است بازارها در ماه مبارک رمضان
تمام شده و اصناف از آنوقت نشسته اند در کمال خوبی و آبادانیت
کاروانسرا هم تا اول حوت تمام شد که در روز دوشنبه بیست و
دویم که پنج روز از حوت گذشته تجار آمده حجرات آنجا را گرفته
نشستند و بقسمی این کاروانسرا خوب ساخته شده است که تجار در
گرفتن حجرات آن با هم مناظره و حرف دارند

میرزا قوما را که در روزنامه هفته اول نوشته شده بود که گرفته اند
می آورند در روز دوشنبه بیست و دویم وارد دار الخلافه میشوند

فوج اخلاص قشاقی که مدتی بود در رکاب مشغول مشق بودند این روزها
مواجبشان را داده مرخص خانه نمودند که بعد از عید برای سفر
گرکان تدارک خود را دیده حاضر شوند

علیقلی خان شقاقی که منصب یاوری در فوج مخبران شقاقی داشت
چون در خراسان خدمت خوب نمایان کرده بود بمنصب سرهنگی
فوج دامغانی سرافراز گردیده در روز یکشنبه بیست و یکم بیرون رفت

لرنی صاحب مرحوم از جمله نجبای ولایت انگلیس و از اوجاق
وسلسله قدیم آن سمت مملکت انگلیس که سکا تلند مینامند بود
در جوانی داخل مدرسه صاحب منصبان نظام نزدیک شهر ادنبرغ
که وینج اسم دارد شده بعد از آنکه علم توپخانه را در آنجا خوب آموخت
منصب باو داده و مامور هندوستانش کردند چندی در سمت مدراس
هندوستان ماند تا اینکه جنرال ملکم مامور بسفارت ایران شد
در سفر دوم ایشان لرنی صاحب را همراه او روانه کردند و دو عراده
توپ که دولت انگلیس بجهة خاقان مبرور فتحعلی شاه خلد الله مکانه
فرستاده بودند باو دادند که از هندوستان براه بندر ابوشهر
و شیراز بطهران بیاورد توپهای مزبور را آورده و پس از ان در
خدمت مرحوم نایب السلطنه در آذربایجان مشغول برپا کردن توپخانه
گردید و توپخانه را چنان منظم کردانید که صاحب منصبانی که از
فرنگستان می آمدند و سررشته از توپخانه داشتند توپخانه آذربایجان را مقابل بعضی از توپخانهای فرنگستان میشمردند ملاک
لرنی صاحب در ولایت انگلیس وقف اکراد ولادذکور بود در آن اوقات
که در سر توپخانه آذربایجان بود املاک مزبوره بنظربان قرارداد با و منتقل کردند
و از خدمت استعفا کرده بولایت انگلیس بسر املاک خود رفت تا اوقاتیکه
شنید که مرحوم نایب السلطنه بفردوس جنان شتافته اند بجا پاری از
ولایت انگلیس باز ایران آمد و در عهد شاهنشاه بهشت آرامگاه محمد شاه
مرحوم در صفحات شیراز خدمات نمایان کرد و ثنای این دولت ابدمدت
صداقت و خدمات او را بسیار در نظر داشتند تا زنده بود کمال عزت و
احترام را با و میکردند و بعد از فوتش در برداشتن جنازه او هم موافق
حرمت قاعده نظام و منصبی که داشت او را برداشته یک میرپنج و یکنفر
نایب اجودان باشی و دو ستریب و چند نفر صاحب منصبان دیگر با کلانتر
دار الخلافه و نوکرهای مقرب در تشییع و تدفین جنازه او حاضر شدند و در ری
مختار دولتین انگلیس و روس و کل صاحب منصبان سفارتخانها

بودند و نهایت احترام در دفن کردن او معمول داشتند

سایر بلاد محروسه

در مشهد مقدس نواب حسام السلطنه والی خراسان قرار داده اند
که یک نفر نایب با ده نفر فراش از طلوع آفتاب الی سه چهار ساعت
از شب گذشته در جمیع شهر و بازارها گردش کنند که هر جا
کسی خواسته باشد تعدی و بی حسابی بکند او را بگیرند و مانع شوند و
اینمعنی بر امنیت شهر بسیار افزوده است

چند منزل از منازل عرض راه خراسان بسبب اینکه متغیر ترکمان است
قدری مخوف بود و برای متردد دین عبور و مرور از آن راهها خالی از
صعوبتی نبود اولیای دولت علیه عباسقلی خان میرپنجه را که از
دارالخلافه بجهة انتظام امور قشون خراسان مأمور نمودند چند عراده
توپ با توپچی بهمراهی او روانه کردند که در منازل عرض راه
هر جا را که لازم باشد توپ و توپچی با مستحفظ بگذارد تا امنیت و آسایش
برای متردد دین حاصل آید این روزها که روزنامه ۱۰ صفحات ۱۱ معلوم شد
که سگنه الهاک را که در ایام فترت از خوف و وحشت ترکمان بجاهای
دیگر پراکنده شده بودند آورده بر سر جای خودشان نشانده اند
و یک عراده توپ با توپچیان تبریزی در آنجا و یک عراده توپ
با توپچیان خرقانی در میان دشت و یک عراده توپ با توپچیان
بهارلو در دهنه زیدر گذاشته اند رعیت زیدر را که متفرق شده
بودند جمع آوری کرده در سر جای خودشان نشانده اند و حالا آن
راههائی که خوف دشت کمال امنیت دارد

چون این اوقات ایام شکارکنی و اعتدال هوای آنجاست
لهذا سرکار اعلیحضرت پادشاهی بنا دارند که در هفته آینده
بشکارگاه کن تشریف فرما شوند و چند روزی در آنجا
توقف خواهند داشت

نظر بانیکه از مواجب سالیانه قشون حاضر رکاب قدری باقی بود
این اوقات که نزدیک بآخر سال است جمیع قشون رکابی را روز بروز
همه روزه در میدان ارگ خانه در پیش روی اطاق نظام حاضر
میکنند در حضور محمود خان نایب اول اجودان باشی و جمیع
لشکرنویسان نفر بنفر کسر مواجب سالیانه هریک را می پردازند بعضی
گرفته اند تمام شده و برخی را در کار ندمیدهند

احوالات دول خارجه

انگلیس در تاریخ هفدهم ماه دیکمبر که مطابق
سیزدهم صفر سنه ۱۲۶۷ میباشد بعضی از خوانین مشورتخانه پادشاه
حسب الحکم پادشاهی باطاق مشورتخانه آمدند و چونکه پادشاه
حکم کرده بود که مشورتخانه خوانین و وکلای رعایا در انروز
در پای تخت جمع بشوند حکم کردند بشیک آقاسی که وکلای
رعایا را خبر کنند که آمده فرمایش پادشاهی را از زبان خوانین
بشنوند خود پادشاه حضور نداشت اما تخت سلطنت در
همان اطاق بود و چونکه قاعده این است که تختی که در این اطاق
هست در اکثر اوقات که پادشاه حضور ندا شته باشد
پارچه زری کرباسها بر روی تخت میکشند اما چونکه خوانین از جانب
پادشاه وکیل بودند و فرمایش پادشاه را اعلام میکردند
پارچه روی تخت را برداشته بودند مانند اینکه منتظر
آمدن خود پادشاه بوده باشند وقتیکه وکلای رعایا آمده
بودند یکی از خوانین وکلای پادشاه فرمان پادشاهی را که در باب
وکالت خود او بود خوانده و بعد گفته بود که فرمایش پادشاه
این است که اهل دو مشورتخانه را که احضار کرده بودیم که امروز
بجهة امورات دولتی جمع بشوند آمدن آنها لازم نیست اما در
چهارم ماه فبروری که مطابق دویم ربیع الثانی میباشد

باید کلاً در پای تخت حاضر بشوند و مشغول شغلی که با آنها
محوّل خواهد شد باشند

بتاریخ ۳ ماه صفر از انگلیس نوشته اند که چند نفر از وزرا
که اسامی آنها باین تفصیل است لارد کرنی لارد کلارندن
و سر چارلز وود از پادشاه استدعای استعفا کرده بودند
و گمان میکنند که سبب این استدعا این باشد که میان
اینها و بعضی وزرای دیگر در خصوص پاره امورات دولتی
حرف مخالف بود و غیر ازین در آنولایت اخباری
دیگر نبود که تحریر آن لازم باشد

فرانسه

مذکور میشود که کشتیهای بخار از شهر مرسیلیه تا ساحل مملکت
ایطالیا و جزیره مالته و جزایر یونان و شهرها و اطراف
آن مملکت و اسلامبول حرکت و آمد و رفت مینمایند اگرچه
این کشتیها سیاح و بار تجارتی برمیداشتند لکن همه
مال دولت بودند در مشورتخانه وزرا درین روزها گفتگوئی
شده است که کشتی دولتی دیگر روانه نکنند و این شغل را بخلق
واگذارند اگرچه درین روزها تنخواه بجهة اخراجات کشتیهای
مزبور از دیوان داده اند اما خبر کرده اند که در فصل بهار
سال آینده فرستادن کشتیهای دولتی بآن سمتها
موقوف می شود و از خلق هر کس که باشد مادامیکه کشتی
روانه نماید

امیرآل رومانی دِ فاسه بسرکردگی قشون بحری دولت فرانسه
ساکن آق دنکیز منصوب شده

موسیو مانتن دلاراک از شهر برست بیرون رفته بود که به آق
دنکیز برود بسرکردگی قشون بحری مزبور با دمخالف

و طوفان برخواست مراجعت بشهر برست کرد و حال ماموریت
بسرکردگی کشتی جنگی و قشون بحری که مابین بیسکی دنیای
شمالی و جنوبی گشت میکنند

احوالات نمسّتان وسایر ممالک یورپا

میگویند که چونکه در شهر درزدن بنا هست که وکلا از دول
نمسّتان جمع بشوند مپسر طور آستریه یکی از صاحب منصبان
مقرّب خود را به نزد پادشاه پروسیه فرستاده است
و بپادشاه پروسیه تکلیف کرده است که بشهر درزدن
بیاید که در آنجا یکدیگر را ملاقات نمایند معلوم نیست که
پادشاه پروسیه این تکلیف را قبول کرده باشد یا نه

از شهر برلین نوشته اند بتاریخ نهم صفر که در آن روزها خبر بآنجا
رسیده بود که ژنرال وانگرنهارنست سرکرده قشون ناسین
تدارک میدید که با قشون پادشاه دینمارک
جنگ عظیم نماید امنای دولت پروسیه صاحب منصبی
نزد ژنرال مزبور فرستادند و مانع این عمل شدند زیرا که
اگر جنگ عظیم میکردند و از پادشاه دینمارک شکست میخوردند
جای ایستادگی بجهة ناسین نمیماند و قشون پادشاه دینمارک
کل آنولایت را متصرف می شد و ژنرال مزبور را اعلام کردند
که اگر نصیحت آنها را قبول نکند و جنگ نماید و شکست
بخورد دیگر منتظر حمایت از امنای دولت پروسیه نباشد

بعضی از پادشاهان نمسّتان خواهش کرده بودند که جمع آوری
وکلای پادشاهان در شهر درزدن چند روز بتعویق بیفتد پادشاه
پروسیه قبول نکرد وکلای مزبور بجای ماموریت خود رفتند

احوالات متفرقه یک صاحب منصب فرانسه که مدتی در ششم

کنیتونیکی دنیای جنوبی توقف و در ولایات آن اطراف
سیاحت کرده است بعضی از کتب قدیم که اهل اسپانیول که اول
باینولایت رفته بودند نوشته اند همراه خود بشهر پاریس آورده است
و بعضی از سنگهای تراشیده وغیره نیز که از آنجا پیدا کرده بوده است
آورده و چونکه پیش از رفتن اهل فرنگستان به ینکی دنیا تاریخ اهل
اینولایت نامعلوم است میان دانایان فرنگستان که در علم تاریخ
استحضار دارند بحث و مکالمات زیاد شده که اول اشخاصی که اینولایت را
آباد کرده اند از کدام سمت دنیا آمده اند ازین نوشتجات وغیره که
این صاحب منصب همراه خود آورده است معلوم و ثابت میشود که
بعضی از ممالک ینکی دنیای جنوبی بسیار قدیم آباد است بلکه در عهد
فراعنهٔ مصر آبادی درین ولایت بوده و از آثار قدیم که در اینولایت
دیده اند معلوم می شود که بعضی از سکنهٔ آنجا دول بزرگ بوده اند و
در بعضی از صنایع سرآمد سایر اهل دنیا بوده اند

شخصی نزدیک بشهر نیویارک ینکی دنیای شمالی کشتی هوائی را که بلون
مینامند بطوری اختراع کرده است که مهار او باختیار آدمی
که در او می نشیند باشد روزی اهل شهر را اعلام کرده بود
که بیرون آمده تماشای کشتی مزبور را نمایند و در ساختن این بلون
اخراجات زیاد کرده بود چهار ساعت بعد از ظهر بلون
از بخار پر بود و حاضر حرکت بود آن شخص رفته و به بلون مزبور
نشست خلق دیدند که در دو طرف بلون دو چرخ مثل
آسیاب بادی ساخته است و میخواهد با آنها حرکت بدهد
و مهار هم دارد مثل جلو کشتیهای آبی مگر این که جلو این بلون را در
عوض چوب از کرباس ساخته بود بلون را رها کردند اما در عوض اینکه
بالا برود در آن نزدیکی بمیان نهر آب افتاد و خود آن شخص هم که

درمیان او بود تا کمر بمیان آب رفت طناب بزرگی به بلون بسته
کشیدند و بجای اولش آوردند و باز بخار در میانش جمع کردند
که پرزور بالا برود درین بین یکی از طنابهای او گسیخته و شخصی که
طناب دیگر در دستش بود از آنجا که تر سید که بلون او را بهوا برد او
طناب را از دست رها کرد بلون مثل تیر که از کمان بجهد بهوا رفت و
صاحبش در زمین حیران مانده و به بلون نگاه میکرد

یک شخصی دیگر هم در همان شهر بازبلونی بطرح دیگر اختراع کرده است
بلونی ساخته است که بدوش خود می بندد و بقدر یک زور دارد که او را
بکلی از زمین بردارد اما بحرکت پا که لگد بزمین میزند بلون میجهد و خود
هم دو بال مثل بال مرغ بدو باز وی خود بسته است و بهمین طور میتواند
از صد قدم تا دویست قدم بجهد گویند که این بلون را اختراع کرده است
گمان میبرد که در سفرها در کوهها و درّه ها و جاهای سخت بسیار کار
بیاید و خودش گفته است که با این بلون از چند فرسخ جنگل درخت کاج
گذشته و در همه جا در وقت نزول و صعود بزمین نیامده و پای
خود را بسر درختها گذاشته و باز بلند شده ام

شخصی در یکی از قصبهای فرانسه تفنگ بره شته بوده و همراه
سگ شکاری پیاده بشکار بیرون رفته بود و میگویند که آن روز
باز خود دعوا کرده بود است تا دو روز بعد از آن روز پیدا نشده
در روز سیم مردم در پی او باطراف گردش کرده بعد از گشت و تعطل
زیاد نعش او را یافتند و طبیب که در آنجا بوده است گفته است که
این شخص از ناخوشی سکتهٔ مرده است بروی دو زانو نشسته بوده و تفنگ هم
در دستش بوده است و برگهای خزان درختها بروی او ریخته بوده است
سگ شکاری که همراه او بوده حامله بوده و در همانجا پنج بچه زائیده
با وجود سه روز گرسنگی باز از نعش صاحب خود دست نکشیده بوده است
شخصی که آنجا بوده بجهای آن سگ را برداشته رفته که بلکه سگ از نعش جدا شده همراه

او بیاید قدری بعقب بجهای خود همراه آن شخص آمده باز برگشته
بجهة محافظت نعش صاحب خودش بر جنازه او رفت مردمانی که
در راه آن سمت تردد میکردند دیدند که سگی بتعجیل و اضطراب سر را
می آید و باز بآن جنگل بر میگردد گمان کردند که شکار دیده است
بعد معلوم شد که بجهة اعلام متردد دین می آمده است که نعش
صاحب خود را بآنها نماید

در نزدیکی شهر نیویارک کشتی بود که بار تجارتی داشت طوفان
بارعد و برق شده بود و برق اوّل بدکل کشتی خورده و میان
انبار کشتی رفته در آنجا قوطی بزرگ پر از کبریت فرنگی بود از او گذشته
و سر تا سر قوطی را دو سوراخ کرده اما یک کبریت آتش نگرفت
در اطاق کشتی میزی بود کاغذهای روی میز را آتش زد و دو نفر
کشتیبان که در آنجا خوابیده بودند بیهوش شدند و برق از
انبار کشتی گذشته بمیان آب رفت

طلاهای فراوان که از مملکت کلی فارنیای ینکی دنیا در آورده اند
و سایر ممالک روی زمین برده اند در بعضی ممالک تفاوت
در قیمت طلا بهم رسیده و تنزل کرده است و در مملکت هائی که چونکه
امنای دولت ترسیدند که بیشتر تنزل بکند حکم کردند که حساب
داد و ستد در پول نقره باشد و در مملکت فرانسه نیز تنزل کرده است
پول طلائی که دارند سابقاً دو تومان پول ایران قیمت داشت و
اکثر اوقات صرف جزوی هم داشت حال چنین تنزل کرده
که از نوزده هزار و ده شاهی بیشتر برنمیدارند در این مملکت هم
وزن انشته اند و بحث و مشورت مینمایند که آیا صلاح
فرانسه هست که آنها نیز در باب طلا چنین حکمی
که اهل ها لند داده اند بدهند یا نه اما در
ولایت انگلیس طلا فراوان نیست و تنزل نکرده

سابقاً در ولایت انگلیس شیشه کرخانه توجیه زیاد داشت و شیشه
و بلور در آنولایت بسیار گران بود چند سال پیش از این امنای
دولت صلاح در این دیدند که توجیه شیشه کرخانه را بردارند و کلاً برداشته
موقوف کردند و چونکه صنعت کاران در ساختن شیشه و بلور بسیار
کامل شده اند شیشه و بلور بسیار ارزان و فراوان شده است بمرتبه
که بنا گذاشته اند که بالای بعضی باصهارا از شیشه بسازند
از آنجمله درین روزها در یکطرف شهر لندن بازاری ساخته اند
که طاق او کلاً از شیشه است و شبها بازار مزبور را با قندیلهای
الوان روشن میکنند زینت تمام دارد تا بحال جاهائی که با شیشه
ساخته اند یکی این بازار است و یکی هم عمارت بزرگی که در
نزدیکی شهر لندن ساخته اند بجهة گذاشتن اقمشه و نفایس هر مملکتی
اما بطوری که نوشته اند بعد ازین متداول خواهد شد

در خصوص طلا که ارزو دخانهای کلی فارنیا در ینکی دنیا در آورده اند
در هر روزنامه باختلاف می نویسند و چونکه مردم از اطراف عالم
بآنجا میروند نه حساب ازین مردم می شود و نه سرشماری اما
موافق کاغذی که درین روزها از آنجا نوشته اند در پنجاه آخر
تابستان و پائیز گذشته طلائی که از کل آنولایت در آورده اند
تخمیناً چهل کرور پول ایران می شود و جمعیتی که در آنجا مشغول
طلا در آوردن هستند نزدیک به نود هزار کس میدانند در زمستان
چندان کار نمی کنند بسبب سردی هوا و شدت سیلاب و قت
کارشان یکماه یا چهل روز از عید رفته تا آخر پائیز است

در معادن زغال سنگی که در فرنکستان بسیار کوه میشود گاهی
بخاری در سرا و جمع میشود که برسیدن آتش باو مثل باروط آتش
میگیرد و درین روزها در ولایت انگلیس یکی از معادن مزبور در بلوک ویلز
آتش گرفته و چند نفر هلاک شدند